



A Feasibility Implementation of Bukowitz & William's Knowledge Management Model and its Impact on Knowledge Contribute in Qom Province Public libraries

Morteza Mohammadi Ostani

*Corresponding Author, Ph.D. in Knowledge and Information Science, University of Isfahan, Iran
Public Libraries Foundation, Qom, Iran. E-mail: mmohamadiostani@gmail.com.

Abolfazl Shojafard

MSc. Department of Knowledge and Information Science, Iran Public Libraries Foundation, Qom, Iran. E-mail: shojafard@qompl.ir

Abstract

Purpose: The purpose of this study was to feasibility implementation of knowledge management based on the Bukowitz & William's model components and also the effects of this model on knowledge contribute in Qom province public libraries.

Methodology: A survey - descriptive method was used. The population was included 92 librarians of Qom province public libraries. The statistical sample was selected 73 people based on Krejcie & Morgan table. Sampling method is stratified random sampling and data collection tool was a researcher-developed questionnaire with the Likert scale. The face validity of the questionnaire was confirmed by expert teachers and its reliability was calculated as 0.96 by Cronbach's alpha method. For data analysis was used descriptive and inferential statistics in SPSS software.

Findings: Findings revealed that the feasibility implementation of Bukowitz & William's KM model in the Qom province public libraries is upper than the average (3.29). The results of regression test showed that this model can predict 75% of the effects on the "knowledge contribute" component. The components of "knowledge learning" and "knowledge assess" have the most impact on the "knowledge contribute" component. Also, the feasibility implementation of KM in terms of demographic characteristics i.e. gender, discipline, work experience, academic degree and work type were no significant difference from librarian's view.

Conclusion: The Bukowitz & William's model was approved as a suitable model for KM implementation in non-profit organizations like public libraries. Also, effective factors in this model on "knowledge contribute" were identified which will be applicable for managers and librarians of public libraries in Qom province.

Keywords: Knowledge Management, Public libraries, Knowledge Contribute, Librarians, Bukowitz & William, Qom province.

Citation: Mohammadi Ostani, M. & Shojafard, A. (2019). A Feasibility Implementation of Bukowitz & William's Knowledge Management Model and its Impact on Knowledge Contribute in Qom Province Public libraries. *Knowledge and Information Management*, 6(3), 59–68. (in persian)

(DOI): 10.30473/mrs.2021.53928.1428

Received: (2020-07-05)

Accepted: (2021-01-12)



امکان استقرار مدل مدیریت دانش بکوویتز و ویلیامز و تأثیر آن بر تسهیم دانش در کتابخانه‌های عمومی استان قم

مرتضی محمدی استانی

*نویسنده مسئول، دکتری، گروه علم اطلاعات و دانش‌شناسی، دانشگاه اصفهان، قم، ایران

E-mail: mmohammadiostani@gmail.com

ابوالفضل شجاع فرد

کارشناسی ارشد، گروه علم اطلاعات و دانش‌شناسی، نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور، قم، ایران.

E-mail: shojaefard@qompl.ir

چکیده

هدف: هدف پژوهش حاضر امکان‌سنجی استقرار مدیریت دانش براساس مؤلفه‌های مدل بکوویتز و ویلیامز و همچنین تأثیر مؤلفه‌های این مدل بر مؤلفه «تسهیم دانش» در کتابخانه‌های عمومی استان قم بود.

روش‌شناسی پژوهش: روش پژوهش حاضر توصیفی-پیمایشی است. جامعه‌ی آماری شامل کتابداران کتابخانه‌های عمومی استان قم (۹۲ نفر) بود. نمونه‌ی آماری براساس جدول کرجسی مورگان تعداد ۷۳ نفر انتخاب شد. روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای و ابزار گردآوری داده‌ها پرسشنامه‌ی محقق‌ساخته با طیف پنج‌درجه‌ای لیکرت بود. روایی صوری پرسشنامه توسط استادان متخصص، تأیید و پایایی آن به روش آلفای کرونباخ ۰/۹۶ محاسبه گردید. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از آمار توصیفی و استنباطی در قالب نرم‌افزار آماری SPSS استفاده شد.

یافته‌ها: نتایج نشان داد امکان اجرای مدل مدیریت دانش بکوویتز و ویلیامز در کتابخانه‌های عمومی استان قم بالاتر از سطح متوسط (۳/۲۹) است. نتایج آزمون رگرسیون نشان داد که این مدل امکان پیش‌بینی ۷۵ درصد از تأثیرات را بر مؤلفه «تسهیم دانش» دارد. مؤلفه‌های «یادگیری دانش» و «ارزیابی دانش» دارای بیشترین تأثیر بر مؤلفه «تسهیم دانش» است. همچنین در خصوص امکان اجرای مدیریت دانش از نظر ویژگی‌های جمعیت‌شناختی جنسیت، رشته تحصیلی، سابقه کار، میزان تحصیلات و نوع فعالیت تفاوت معنی‌داری از نظر کتابداران مشاهده نشد.

بحث و نتیجه‌گیری: مدل بکوویتز و ویلیامز به‌عنوان مدلی مناسب جهت اجرای مدیریت دانش در سازمان‌های غیرانتفاعی نظیر کتابخانه‌های عمومی تأیید شد. همچنین مؤلفه‌های تأثیرگذار در این مدل بر «تسهیم دانش» نیز شناسایی گردید که برای مدیران و کتابداران کتابخانه‌های عمومی استان قم قابل کاربرد خواهد بود.

واژه‌های کلیدی

مدیریت دانش، کتابخانه‌های عمومی، تسهیم دانش، کتابداران، بکوویتز و ویلیامز، استان قم،

استناد: محمدی استانی، مرتضی و شجاع فرد، ابوالفضل (۱۳۹۸). امکان استقرار مدل مدیریت دانش بکوویتز و ویلیامز و تأثیر آن بر تسهیم دانش

در کتابخانه‌های عمومی استان قم. مدیریت اطلاعات و دانش‌شناسی، ۶(۳)، ۵۹-۶۸.

(DOI): 10.30473/mrs.2021.53928.1428

تاریخ دریافت: (۱۳۹۹-۰۴-۱۵)

تاریخ پذیرش: (۱۳۹۹-۱۰-۲۳)

مقدمه

با توجه به کاربرد و میان‌رشته‌ای بودن مدیریت دانش، سازمان‌های غیرانتفاعی و خدماتی نظیر دانشگاه‌ها و کتابخانه‌ها نیز به این موضوع علاقه‌مند شدند. توربن، لیدنر، مک‌لین و وثر^۱ (۲۰۱۲) تأثیر دانش و برنامه‌های مدیریت دانش را بر سازمان‌های خدماتی نظیر کتابخانه‌ها نسبت به سازمان‌های تولیدی بسیار بیشتر می‌دانند. این امر نشانگر اهمیت دانش در چنین سازمان‌هایی است. وجود چنین امکان بالقوه‌ای در سازمان‌های خدماتی، آن‌ها را مستعد اجرای برنامه‌های مدیریت دانش جهت بهره‌برداری از مزایای آن می‌کند. راثو^۲ (۲۰۱۲) نیز بر اجرای برنامه‌های مدیریت دانش در کتابخانه‌ها تأکید دارد. اجرای صحیح و اصولی برنامه‌های مدیریت دانش در کتابخانه‌ها موجب کاهش زمان و هزینه در برنامه‌های جاری، افزایش کارایی سازمان، ضبط دانش ضمنی کتابداران و کارمندان، بهبود فرایند تصمیم‌گیری و به‌طور کلی تسهیل اشتراک دانش خواهد شد.

نگاه به کتابخانه‌های عمومی در ایران طی سال‌های اخیر تغییر کرده تا جایی که به بازیگری مهم در عرصه فرهنگی و اجتماعی تبدیل شده است. کتابخانه‌های عمومی با توجه به وسعت مخاطبان و نقشی که در توسعه اجتماعی، فرهنگی و حتی اقتصادی دارند، پتانسیل تبدیل به عنوان پایگاه‌های فعال اجتماعی دارند. این نوع تغییر دیدگاه در برنامه‌های در حال اجرا و آینده کتابخانه‌های عمومی قابل مشاهده است. بی‌شک توسعه و پیشرفت کتابخانه‌های عمومی موجب بهبود و رشد جامعه در عرصه‌های آموزشی، فرهنگی، دسترسی و توزیع به اطلاعات خواهد شد.

به عقیده کاستاگیولاس^۳ (۲۰۱۲) در شرایط محیطی پرتغییر، کتابخانه‌های عمومی به‌عنوان عضوی از جامعه دست‌کم از دو جهت به مدیریت دانش نیاز دارند. اول آنکه، ایجادکننده سرمایه فکری برای جوامع به شمار می‌روند و دوم، کتابخانه‌های عمومی از سرمایه فکری ایجاد شده و دارایی‌های دانشی به‌منظور ارائه خدمات بهتر استفاده می‌کنند (به نقل از رجوعی، عربشاهی و مغانی، ۱۳۹۵: ۳۳). تنگ و هاوامده^۴ (۲۰۰۲) نیز بر اهمیت اجرای مدیریت دانش در کتابخانه‌های عمومی تأکید دارد. از این‌رو، اجرای برنامه‌های مدیریت دانش در کتابخانه‌های عمومی که حلقه واسط میان جامعه و منابع اطلاعاتی است از یک‌سو و اجرای برنامه‌های

ترویجی و تشویقی که موجبات رشد و تعالی فرهنگ عمومی می‌شود از سوی دیگر، در دنیای متغیر امروزی امری امکان‌پذیر و ضروری است.

اجرا و پیاده‌سازی اصولی و منسجم مدیریت دانش نیازمند برنامه و مدل ویژه‌ای است. برخی از پژوهشگران در این حوزه به ارائه مدل یا حلقه دانشی خاصی مبادرت کرده‌اند. اولین مدل اجرایی مدیریت دانش توسط دو پژوهشگر ژاپنی با نام‌های نانوکا و تاکه‌اوچی^۵ ارائه شده است. اُونز، دالکیر و بیدیان^۶ (۲۰۱۴)، موهاجان^۷ (۲۰۱۶) و میتال و کومار^۸ (۲۰۱۹) در پژوهش‌هایی به بررسی انواع مدل‌ها و چرخه‌های مدیریت دانش به‌طور جامع و کامل پرداخته‌اند. تاکنون در بافت‌های مختلف مدل‌هایی نظیر مک‌الروی^۹، بک‌ویتز و ویلیامز^{۱۰}، هیسگ^{۱۱}، بک‌من^{۱۲}، هفت سی^{۱۳}، نیومن و کونارد^{۱۴}، ویگ^{۱۵} و جز این‌ها ذکر شده که مراحل تا حدودی مشابه یکدیگر دارند. چرخه‌های مختلف مدیریت دانش نیز همانند مدل‌های آن دارای مراحل مشابهی هستند. مدل بک‌ویتز و ویلیامز نیز شامل هفت مؤلفه یافتن، به‌کارگیری، یادگیری، تسهیم، ارزیابی، ایجاد/نگهداری و حذف^{۱۶} دانش است.

کتابخانه‌های عمومی با توجه به گستردگی جغرافیایی و لزوم توجه به تفاوت‌های فرهنگی، زبانی، قومی، جنسیتی و سنی نیازمند ارائه برنامه‌ای مدون جهت اجرای مدیریت دانش دارد. دانش صریح موجود در کتاب‌ها، مجلات، گزارش‌ها، دستورالعمل‌ها و بخشنامه‌های کتابخانه‌های عمومی و همچنین دانش ضمنی نهفته در اذهان کتابداران و کارشناسان در مورد رویکردها و تجربیات آن‌ها در طول سالیان، نیازمند مستندسازی، مدیریت و استفاده بهینه است. بدین منظور، اجرا و پیاده‌سازی برنامه‌های مدیریت دانش در کتابخانه‌های عمومی مستلزم انجام مطالعات امکان‌سنجی است. کتابخانه‌های عمومی استان قم نیز با توجه به ویژگی‌های جمعیتی، قومی و زبانی و وجود دانش صریح و ضمنی در میان کتابداران از این قاعده مستثنی نیستند. از این‌رو، مسئله اصلی پژوهش حاضر امکان‌سنجی استقرار مدل مدیریت

5. Nonaka & Takeuchi

6. Evans, Dalkir & Bidian

7. Mohajan

8. Mittal & Kumar

9. McElroy

10. Bukowitz & Willams

11. Hissig

12. Beckman

13. 7C

14. Newman & Conard

15. Wiig

16. Get, Use, Learn, Contribute, Assess, Build/Sustain, Divest

1. Turban, Leidner, Mclean & Wetherbe

2. Rao

3. Kostagiulas

4. Teng & Hawamdeh

«سازمان‌دهی، ذخیره و تسهیم دانش»، «خلق و کسب دانش» و «تبدیل، حفظ و به کار بردن دانش» و ابعاد زیرساختی آن شامل «فناوری و ساختار» و «فرهنگ» بود. وضعیت ابعاد مدیریت دانش و نوآوری در کتابخانه‌های عمومی استان یزد در وضعیت متوسط یا نامطلوب قرار داشت. همچنین کلیه ابعاد فرایندی و ساختاری مدیریت دانش با نوآوری رابطه معنی‌داری داشت. نتایج مدل‌سازی معادلات ساختاری نشان داد که ابعاد مدیریت دانش به جزء بُعد «خلق و کسب دانش» بر نوآوری تأثیر داشته و با توجه به ضرایب معادلات ساختاری بیشترین اثرگذاری بر نوآوری به ترتیب مربوط به بُعد «فناوری و ساختار» و «سازمان‌دهی، ذخیره و تسهیم دانش» بود.

در پژوهش دیگری قادری سیاه‌بیدی، جعفری و فامیل روحانی (۱۳۹۵) رابطه میان فرهنگ‌سازمانی و مدیریت دانش را در کتابخانه‌های عمومی شهر کرمانشاه بررسی کردند. روش پژوهش توصیفی-همبستگی و جامعه آن کتابداران کتابخانه‌های عمومی شهر کرمانشاه بود. یافته‌ها حاکی از آن بود که وضعیت فرهنگ‌سازمانی و مدیریت دانش در حد متوسط و میان آن‌ها رابطه معنی‌داری وجود دارد. بر این قرار، میان مؤلفه‌های مشارکت، سازگاری، مأموریت و یکپارچگی با مدیریت دانش رابطه معنی‌داری وجود دارد. همچنین میان فرهنگ‌سازمانی و مدیریت دانش بر پایه متغیرهای جمعیت‌شناختی جنسیت، سن، میزان تحصیلات، سابقه خدمت، نوع سازمان، نوع فعالیت، رشته تحصیلی، میزان آشنایی با اینترنت و رایانه تفاوت معنی‌داری مشاهده نشد.

کاربرد مدل شرون لاوسون جهت ارزیابی وضعیت مدیریت دانش در دانشکده علوم پزشکی نیشابور پژوهش دیگری در این زمینه بود که توسط صدیقی، طاهری لاری، چرابین، نودهی و صدیقی (۱۳۹۶) با روش پیمایشی صورت گرفت. یافته‌ها حاکی از آن بود که کارکنان دانشکده علوم پزشکی نیشابور معتقد بودند مدیریت دانش از بُعد تولید، کسب، سازمان‌دهی، ذخیره، انتشار و کاربرد دانش در وضعیت مطلوبی قرار ندارد و نیاز به بازنگری و توجه بیشتر به مباحث مدیریت دانش در دانشکده احساس می‌گردد.

زندیان و زادولی خواجه (۱۳۹۸) به تأثیر زیرساخت‌های مدیریت دانش و ابعاد بهبود تصمیم‌گیری مدیران بر مدیریت دانش کارکنان نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور با روش توصیفی-همبستگی پرداخت. در این پژوهش وضعیت مدیریت دانش، متغیر ملاک و ابعاد زیرساخت مدیریت دانش

دانش بکویتز و ویلیامز به‌عنوان مدلی جامع و متناسب با بافت کتابخانه‌ها در کتابخانه‌های عمومی استان قم است. بررسی پیشینه‌هایی نظیر رابرت^۱ (۲۰۰۹)، خادمی‌زاده، فرج‌پهلوی و حیدرزاده (۱۳۹۸) و بیرانوند، شعبانی و محمدی استانی (۱۳۹۶) نشان از اهمیت «تسهیم دانش» دارد. به‌طور کلی تسهیم (اشتراک) دانش جزء اهداف اصلی اجرای هر برنامه مدیریت دانشی است. ازاین‌رو، پژوهش حاضر ضمن امکان‌سنجی استقرار مدل مدیریت دانش بکویتز و ویلیامز به بررسی مؤلفه‌هایی که بیشترین تأثیر را بر «تسهیم دانش» داشته‌اند، مبادرت می‌کند.

با توجه به موارد پیش‌گفته و اهداف پژوهش، سؤالات پژوهشی ذیل مدنظر قرار گرفت:

۱. امکان استقرار مدل مدیریت دانش بکویتز و ویلیامز در کتابخانه‌های عمومی استان قم وجود دارد؟
۲. وضعیت امکان هرکدام از مؤلفه‌های مدل مدیریت دانش بکویتز و ویلیامز در کتابخانه‌های عمومی استان قم چگونه است؟
۳. کدام مؤلفه مدل مدیریت دانش بکویتز و ویلیامز دارای بیشترین تأثیر در مؤلفه تسهیم دانش در کتابخانه‌های عمومی استان قم است؟
۴. آیا بین مؤلفه‌های مدل مدیریت دانش بکویتز و ویلیامز در کتابخانه‌های عمومی استان قم براساس متغیرهای جمعیت‌شناختی (جنسیت، رشته تحصیلی، سابقه کار، میزان تحصیلات و نوع فعالیت) از نظر کتابداران تفاوت معنی‌داری وجود دارد؟

پیشینه پژوهش

پژوهش‌های زیادی در ارتباط با موضوع مدیریت دانش در بافت‌های مختلف انجام شده است. بررسی پیشینه‌ها نیز مؤید همین مطلب است. ازاین‌رو، تنها به پژوهش‌های مرتبط با کتابخانه‌ها به‌ویژه کتابخانه‌های عمومی که ارتباط بیشتری با پژوهش حاضر دارد، اشاره می‌گردد.

مکی‌زاده و فرزین یزدی (۱۳۹۴) در پژوهشی به شناسایی ابعاد سیستم مدیریت دانش در کتابخانه‌های عمومی استان یزد و تحلیل تأثیر آن بر توسعه نوآوری با استفاده از روش پیمایشی پرداختند. ابعاد مدیریت دانش با استفاده از متون موجود، شناسایی و با روش تحلیل عاملی دسته‌بندی گردید. نتایج نشان داد که ابعاد فرایندی مدیریت دانش شامل

1. Robert

انتقال دانش بر نوآوری ناچیز بود. پژوهشگران در پایان چارچوبی را برای مراحل و چرخه مدیریت دانش ارائه کردند. بررسی متون و پیشینه‌های حوزه مدیریت دانش نشان داد که اکثر پژوهش‌ها نظیر اسلامی هرنندی، ذوالفقاری زعفرانی و جعفری هرنندی (۱۳۹۸)، حاجی‌زین‌العابدینی، کوهی رستمی و موری بختیاری (۱۳۹۸) و غفاری و زینالی (۱۳۹۷) بر بررسی عوامل مهم و زیرساختی مدیریت دانش متمرکز بودند. برخی دیگر از پژوهش‌ها نظیر سالخورده، رحیمی و زارع (۱۳۹۸)، خادمی‌زاده، فرج‌پهلوی و حیدرزاده (۱۳۹۸) و بیرانوند، شعبانی و محمدی استانی (۱۳۹۶) بر تأثیر یا عوامل مؤثر بر تسهیم دانش در اجرای مدیریت دانش متمرکز بودند. پژوهش‌هایی نظیر اسلام، آگاروال و ایکیدا (۲۰۱۷)، چیدامباراناتان و رانی (۲۰۱۵) و درگاهی، اسدی، احمدی و محمودی (۱۳۹۷) به بررسی ارتباط مدیریت دانش با سایر متغیرها نظیر بهره‌وری و نوآوری پرداختند. همچنین بخش دیگر پژوهش‌ها نظیر صدیقی و همکاران (۱۳۹۶)، جلیلی و فامیل روحانی (۱۳۹۶)، رجوعی، عربشاهی و مغانی (۱۳۹۵)، زیارتی (۱۳۹۲) و برادر، کیانی خوزستانی و گوهری (۱۳۹۱) متمرکز بر اجرای مدیریت دانش مبتنی بر یک مدل خاص بودند. اکثراً پژوهش‌های اولیه در این بخش بر مدل نانوکا و تاکه‌اوجی متمرکز بود و پژوهش‌های اخروی بر سایر مدل‌ها متمرکز شدند. بررسی مدل بکوویتز و ویلیامز نشان داد که این مدل تناسب بیشتری با بافت انتفاعی و سازمان‌های خدماتی نظیر کتابخانه‌ها دارد. اکثر پژوهش‌های صورت گرفته با مدل بکوویتز و ویلیامز در کتابخانه‌های تخصصی و دانشگاهی بوده و تاکنون پژوهشی به امکان‌سنجی استقرار این مدل در کتابخانه‌های عمومی نپرداخته است، از این‌رو، پژوهش حاضر امکان استقرار این مدل را در کتابخانه‌های عمومی استان قم موردسنجش قرار داده است. همچنین با توجه به اهمیت مؤلفه تسهیم (اشتراک) دانش در اکثر پژوهش‌ها، به بررسی تأثیر سایر مؤلفه‌ها بر این مؤلفه اساسی و مهم در مدل‌های مدیریت دانش اقدام شده است.

روش‌شناسی پژوهش

روش پژوهش حاضر، توصیفی - پیمایشی است. جامعه آماری شامل تمامی کتابداران کتابخانه‌های عمومی تابع اداره کل کتابخانه‌های عمومی استان قم در سال ۱۳۹۸ به تعداد ۹۲ نفر است. نمونه آماری براساس جدول کرجسی مورگان به تعداد ۷۳ نفر انتخاب شد. روش نمونه‌گیری در پژوهش حاضر تصادفی طبقه‌ای متناسب با حجم بود. ابزار گردآوری داده‌ها،

(شامل منابع انسانی، فناوری اطلاعات، فرهنگ، فرایند، راهبرد سازمانی و منابع مالی) و ابعاد تصمیم‌گیری مدیران (شامل دقیق و صحیح بودن، سریع بودن، اقتصادی بودن، ایمن بودن، مرتبط بودن و قابلیت به کارگیری اطلاعات) متغیر پیش‌بین تعیین شد. یافته‌ها نشانگر آن بود که براساس مدل پیش‌بینی، زیرساخت‌های منابع انسانی، فرهنگ و فرایند و نیز همه ابعاد بهبود تصمیم‌گیری مدیران قادر به پیش‌بینی مدیریت دانش در نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور است.

چیدامباراناتان و رانی^۱ (۲۰۱۵) به بررسی ارتباط میان مدیریت دانش و فرهنگ سازمانی در کتابخانه‌های آموزش عالی قطر با روش تجربی پرداختند. نتایج نشان داد که فرهنگ بر فعالیت‌های مدیریت دانش و موفقیت آن تأثیرگذار است و برنامه‌های مدیریت دانش ارتباط معنی‌داری با متغیرهای جمعیت‌شناختی ندارد. همچنین قبیله‌گرایی، خرده‌فرهنگ و فرهنگ باز ارتباط مستقیمی با برنامه‌های مدیریت دانش دارند و فرهنگ سلسله‌مراتبی ارتباطی با برنامه‌های مدیریت دانش ندارد.

کولونیاری و فاسولیس^۲ (۲۰۱۷) در پژوهشی به مشاهده ادراکات کتابداران از برنامه‌های مدیریت دانش در کتابخانه‌های دانشگاهی پرداختند. به‌زعم آن‌ها با توجه به علاقه روزافزون به مبحث مدیریت دانش توسط کتابداران و رشته علم اطلاعات و دانش‌شناسی، اما مدیریت دانش به‌طور منظم و نظام‌مند در کتابخانه‌ها به کار نمی‌رود؛ زیرا ماهیت مدیریت دانش چندجانبه است و هیچ اجماعی میان متخصصان علم اطلاعات و دانش‌شناسی در این باره وجود ندارد. نتایج نشان داد که کتابداران و کارمندان کتابخانه‌های دانشگاهی از مزایا و عملکرد مدیریت دانش و حتی گزینه‌های شغلی مدیریت دانش آگاهی دارند، اما در موضوعات و مسائل اساسی مدیریت دانش شفافیت وجود ندارد. کتابخانه‌های دانشگاهی برای ضبط دانش صریح کاربران‌شان اقدام می‌کنند اما در زمینه دانش ضمنی که بسیار مهم‌تر است، عمل و اقدام چندانی صورت نمی‌گیرد.

تأثیر مدیریت دانش (مراحل چرخه مدیریت دانش) بر نوآوری در کتابخانه‌های دانشگاهی ۳۹ کشور و ارائه چارچوبی برای آن، پژوهش دیگری است که توسط اسلام، آگاروال و ایکیدا^۳ (۲۰۱۷) انجام شد. نتایج حاکی از آن بود که ایجاد/ضبط دانش و کاربرد/استفاده از دانش تأثیر معنی‌داری بر نوآوری در کتابخانه‌های دانشگاهی دارند. تأثیر اشتراک و

1. Chidambaranathan & Rani

2. Koloniari & Fassoulis

3. Islam, Agarwal and Ikeda

یافته‌های پژوهش

تحلیل عوامل جمعیت‌شناختی نشان داد که ۴۳ نفر (۶۲/۳ درصد) از آزمودنی‌ها زن و مابقی مرد بودند. ۵۰ نفر (۷۲/۵ درصد) از کتابداران کتابخانه‌های عمومی استان قم، فارغ‌التحصیل رشته علم اطلاعات و دانش‌شناسی بودند. ۴ نفر (۵/۸ درصد) دارای تحصیلات کاردانی، ۵۱ نفر (۷۳/۹ درصد) کارشناسی، ۱۲ نفر (۱۷/۴ درصد) کارشناسی ارشد و ۲ نفر (۲/۹ درصد) دکتری می‌باشند. ۷ نفر از آزمودنی‌ها در بخش خدمات فنی (۱۰/۱ درصد)، ۴۱ نفر (۵۹/۴ درصد) در بخش خدمات عمومی (امانت، کودک و مرجع) و ۲۱ نفر (۳۰/۵ درصد) در بخش مدیریت یا سرپرستی مشغول بودند. همچنین ۲۶ نفر (۳۷/۷ درصد) از آزمودنی‌های داری سابقه کار کمتر از ۵ سال، ۱۷ نفر (۲۴/۶ درصد) بین ۵-۱۰ سال، ۱۸ نفر (۲۶/۱ درصد) بین ۱۱-۱۵ سال، ۶ نفر (۸/۷ درصد) بین ۱۶-۲۰ سال و ۲ نفر (۲/۹ درصد) بیش از ۲۰ سال سابقه داشتند. قبل از تحلیل سؤالات پژوهش، نظر به اینکه استفاده از آزمون‌های پارامتریک مستلزم اطمینان از نرمال بودن توزیع داده‌ها است، ابتدا آزمون کولموگروف-سمیرنوف اجرا شد. نتایج این آزمون در جدول ۱ ارائه شده است.

جدول ۱. آزمون کولموگروف-سمیرنوف

آماره	کولموگروف-سمیرنوف	P-value
مدل مدیریت		
دانش	۰/۵۶۳	۰/۹
بکوویتز و ویلیامز		

از آنجا که $+1/96 < \text{Kolmogorov - Smirnov } Z < -1/96$ است، با ۹۵ درصد اطمینان می‌توان نتیجه گرفت که توزیع جامعه نرمال است. بنابراین، برای تجزیه و تحلیل داده‌ها با توجه به مؤلفه‌های مورد بررسی از آزمون‌های تی، رگرسیون چند متغیره و تحلیل واریانس یک‌راهه استفاده شد. به‌منظور پاسخگویی به سؤال اول درباره امکان‌سنجی استقرار مدل مدیریت دانش بکوویتز و ویلیامز در کتابخانه‌های عمومی استان قم از آزمون تی استفاده شد که نتایج آن در جدول ۲ ارائه شده است.

پرسشنامه محقق ساخته در مقیاس پنج‌درجه‌ای لیکرت (از خیلی کم تا خیلی زیاد) است که شامل ۴۵ گویه براساس مؤلفه‌های مدل مدیریت دانش بکوویتز و ویلیامز بود که دیدگاه‌های کتابداران را درباره یافتن دانش (۷ گویه)، به‌کارگیری دانش (۶ گویه)، یادگیری دانش (۵ گویه)، تسهیم دانش (۹ گویه)، ارزیابی دانش (۵ گویه)، ایجاد/نگهداری دانش (۹ گویه) و حذف دانش (۴ گویه) اندازه‌گیری می‌کند. در پژوهش حاضر، مدل بکوویتز و ویلیامز به علت توجه و تناسب بیشتر به بافت غیرانتفاعی و تفهیم بهتر مراحل مدیریت دانش انتخاب گردید. این مدل در پژوهش‌هایی نظیر احمدی (۱۳۹۸)، بصیریان جهرمی، گرای و کویکی (۱۳۹۷)، جلیلی و فامیل روحانی (۱۳۹۶)، زیارتی (۱۳۹۲) و محمدی استانی، شعبانی و رجائی‌پور (۱۳۹۰) به‌عنوان مدل مناسب بافت کتابخانه مورد توجه قرار گرفته است.

همچنین سؤالاتی در مورد جنسیت، رشته تحصیلی، سابقه کار، میزان تحصیلات و نوع فعالیت در بخش اطلاعات جمعیت‌شناختی پرسشنامه پرسیده شد. روایی پرسشنامه توسط متخصصان این حوزه تأیید و پایایی آن با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ انجام شد که ضریب مزبور برابر با ۰/۹۶ محاسبه گردید. همچنین تحلیل عاملی سؤالات پرسشنامه نشان داد که مقدار KMO برابر با ۰/۷۷۸ است که مقدار رضایت‌بخشی است. نتایج آزمون بارتلت نیز نشان داد که مقدار معنی‌داری ۰/۰۰۰ است که کوچک‌تر از ۰/۰۵ است که بیانگر معنی‌داری سؤالات با یکدیگر بود. پرسشنامه بین تمامی کتابداران استان قم توزیع و تعداد ۶۹ پاسخنامه از آن‌ها دریافت شد. همچنین در پژوهش حاضر امکان‌سنجی استقرار مدل مدیریت دانش بکوویتز و ویلیامز از طریق میانگین نمرات نمونه آماری به پرسشنامه فوق اندازه‌گیری شد.

برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم‌افزار SPSS در دو سطح آمار توصیفی و استنباطی استفاده شد. در سطح آمار توصیفی از فراوانی، درصد، میانگین، انحراف معیار و واریانس استفاده شد. در سطح آمار استنباطی، نظر به اینکه استفاده از آزمون پارامتریک مستلزم اطمینان از نرمال بودن توزیع داده‌ها است، ابتدا آزمون کولموگروف-سمیرنوف^۱ اجرا و پس از آن از آزمون‌های تی، رگرسیون چند متغیره و تحلیل واریانس یک‌راهه (آنووا)^۲ استفاده شد.

1. Kolmogorov- Smirnov test
2. Anova

جدول ۲. نتایج آزمون تی تک متغیره، مقایسه میانگین با میانگین فرضی ($x=3$)

متغیر	میانگین	انحراف معیار	t	P-value
مدل مدیریت دانش بکوویتز و ویلیامز	۳/۲۹	۰/۶۱۳	۳/۹۷	۰/۰۰۰

برحسب یافته‌های جدول ۲، مقدار تی مشاهده شده از مقدار بحرانی جدول در سطح خطای ۰/۰۵ کمتر ($p \leq 0/05$) و اختلاف مشاهده شده، معنی‌دار است و از آنجا که میانگین مشاهده شده نیز از میانگین فرضی ($x=3$) بیشتر بوده. بنابراین، امکان استقرار مدل مدیریت دانش بکوویتز و ویلیامز در کتابخانه‌های عمومی استان قم بیشتر از سطح متوسط است و در وضعیت مطلوبی قرار دارد.

به‌منظور پاسخگویی به سؤال دوم پژوهش براساس نتایج آزمون تی، میانگین و نتایج هر کدام از مؤلفه‌های مدل مدیریت دانش بکوویتز و ویلیامز در جدول ۳ ذکر شده است.

جدول ۳. نتایج آزمون تی تک متغیره مؤلفه‌های مدل مدیریت دانش بکوویتز

و ویلیامز، مقایسه میانگین با میانگین فرضی ($x=3$)

مؤلفه‌ها	میانگین	انحراف معیار	t	P-value
یافتن دانش	۳/۳۷	۰/۵۳۹	۵/۷۴	۰/۰۰۰
به‌کارگیری دانش	۳/۴۹	۰/۶۳۳	۶/۴۹	۰/۰۰۰
یادگیری دانش	۳/۴۸	۰/۶۹۹	۵/۷۱	۰/۰۰۰
تسهیم دانش	۳/۳۶	۰/۷۲۶	۴/۱۲	۰/۰۰۰
ارزیابی دانش	۳/۲۲	۰/۷۵۹	۲/۴۷	۰/۰۱۶
ایجاد/نگهداری دانش	۳/۱۹	۰/۸۸	۱/۸۵	۰/۰۶۸
حذف دانش	۲/۹۸	۰/۹۸۷	-۰/۱۵۲	۰/۸۹۷

براساس یافته‌های جدول ۳، بیشترین کاربرد مؤلفه‌های مدل مدیریت دانش بکوویتز و ویلیامز مربوط به مؤلفه «به‌کارگیری دانش» با میانگین ۳/۴۹ و کمترین، مربوط به مؤلفه «حذف دانش» با میانگین ۲/۹۸ است.

به‌منظور پاسخگویی به سؤال سوم پژوهش، با توجه به وجود چندین مؤلفه مستقل از آزمون رگرسیون چندمتغیره با روش ورود (Enter) استفاده شد. در این راستا، مؤلفه «تسهیم دانش» به‌عنوان متغیر وابسته و مؤلفه‌های «یافتن، به‌کارگیری، یادگیری، ارزیابی، ایجاد/نگهداری و حذف دانش» به‌عنوان متغیرهای مستقل در نظر گرفته شد که نتایج آن در جداول ۴ و ۵ ذکر شده است.

جدول ۴. نتایج آزمون رگرسیون چندمتغیره

مدل	ضریب همبستگی	ضریب تعیین	ضریب تعیین تعدیل شده	F	P-value
تسهیم دانش	۰/۸۶۶	۰/۷۵	۰/۷۲۶	۱۲/۱۱۴	۰/۰۰۰

نتایج جدول بالا نشان می‌دهد که ضریب همبستگی میان مؤلفه «تسهیم دانش» و سایر مؤلفه‌های مدل مدیریت دانش بکوویتز و ویلیامز در کتابخانه‌های عمومی استان قم برابر با ۰/۸۶۶ است که ضریب بالایی است و نشان از همبستگی بالا دارد. همچنین ضریب تعیین برابر با ۰/۷۵ است؛ به این معنی که شش مؤلفه دخیل در این مدل در کتابخانه‌های عمومی استان قم ۷۵ درصد از تأثیرات را بر مؤلفه «تسهیم دانش» پیش‌بینی کرده‌اند که نشان از در نظر گرفتن اکثر متغیرها در مدل و پیش‌بینی آن‌هاست. همچنین نتایج نشان داد که این مدل رگرسیونی معنی‌دار است و بیانگر این نکته است که برخی از مؤلفه‌ها بر مؤلفه «تسهیم دانش» تأثیرگذار و معنی‌دار هست. جدول ۵ سهم تأثیرگذاری هر کدام از مؤلفه‌ها را به صورت مجزا نشان می‌دهد.

جدول ۵. ضرایب آزمون رگرسیون

مدل	Beta	t	p-value
یافتن دانش	-۰/۰۶۲	-۰/۵۵۴	۰/۵۸۲
به کارگیری دانش	۰/۰۸۸	۰/۶۷	۰/۵۰۶
یادگیری دانش	۰/۴۵۶	۵/۰۳۲	۰/۰۰۰
ارزیابی دانش	۰/۳۵۸	۳/۲۵۸	۰/۰۰۲
ایجاد/نگهداری دانش	۰/۱۰۱	۰/۷۹۵	۰/۴۳
حذف دانش	۰/۰۴۹	۰/۴۰۸	۰/۶۸۵

به منظور پاسخ به میزان تفاوت نظرات کتابداران کتابخانه‌های عمومی استان قم در خصوص امکان استقرار مدل مدیریت دانش بکوویتز و ویلیامز بر مبنای متغیرهای جمعیت‌شناختی جنسیت، رشته تحصیلی، سابقه کار، میزان تحصیلات و نوع فعالیت از آزمون تحلیل واریانس یک‌راهه استفاده شد که نتایج حاصل از این آزمون در جدول ۶ ارائه شده است.

نتایج جدول ۵ نشان می‌دهد که هرچه مقدار بتا و تی، بزرگ‌تر و مقدار معنی‌داری کوچک‌تر باشد نشان از تأثیرگذاری بیشتر بر روی مؤلفه «تسهیم دانش» دارد؛ از این رو، بیشترین تأثیر را مؤلفه‌های «یادگیری دانش» و «ارزیابی دانش» بر مؤلفه «تسهیم دانش» دارد و مقدار معنی‌داری نیز نشان می‌دهد که مقدار این تأثیر نیز معنی‌دار است ($p \leq 0/05$) و سایر مؤلفه‌ها معنی‌دار نیستند و تأثیر چندانی بر مؤلفه «تسهیم دانش» در کتابخانه‌های عمومی استان قم ندارند.

جدول ۶. آماره برحسب مؤلفه‌های جمعیت‌شناختی

با توجه به مدل مدیریت دانش بکوویتز و ویلیامز

متغیر	F	P-value
جنسیت	۰/۴۶۹	۰/۸۵۱
رشته تحصیلی	۰/۳۹۶	۰/۸۸۳
سابقه کار	۲/۵۰۹	۰/۴۷
میزان تحصیلات	۰/۱۲۹	۰/۹۹۳
نوع فعالیت	۰/۷۳۶	۰/۷۵۲

و امکان مدیریت آن در سازمان‌ها، به عنوان یکی از دارایی‌های ناملموس، امری ضروری است. در این عصر که عصر اقتصاد دانش‌محور نیز نامیده می‌شود، توجه مدیران و برنامه‌ریزان به دانش معطوف شده و از این رو، سازمان‌های دانش‌مداری نظیر دانشگاه‌ها و کتابخانه‌ها به عنوان قلب تپنده هر سازمان دانش‌مداری، از این امر مستثنی نیستند. مفهوم سازمان یادگیرنده نیز مولود همین منظر است.

پژوهش حاضر امکان‌سنجی استقرار مدل مدیریت دانش بکوویتز و ویلیامز و تأثیر مؤلفه‌های این مدل بر مؤلفه «تسهیم دانش» در کتابخانه‌های عمومی استان قم پرداخت. نتایج حاکی از آن بود که امکان استقرار مدل مدیریت دانش بکوویتز و ویلیامز در کتابخانه‌های عمومی استان قم (۳/۲۹) بالاتر از حد

برحسب اطلاعات جدول ۶، اختلاف مشاهده شده بین میانگین نمرات مؤلفه‌های مدل مدیریت دانش بکوویتز و ویلیامز درباره امکان آن در کتابخانه‌های عمومی استان قم براساس متغیرهای جمعیت‌شناختی جنسیت، رشته تحصیلی، سابقه کار، میزان تحصیلات و نوع فعالیت معنی‌دار نیست ($P \geq 0/05$) و بین نظرات پاسخگویان تفاوت معنی‌داری وجود ندارد و کتابداران استان قم نظرات یکسانی در این باره بیان داشته‌اند.

بحث و نتیجه‌گیری

مدیریت دانش از موضوعات و مسائل مهمی است که اهمیت آن برای بسیاری از سازمان‌ها مشخص شده است. دانش به عنوان یکی از مؤلفه‌های قدرت در دنیای امروزی تعریف شده

شناسایی برخی دستورالعمل‌ها و قواعدی که دیگر کارایی ندارد و یا توسط دستورالعمل یا بخشنامه دیگری منسوخ شده، از مصادیق مؤلفه «حذف دانش» است.

نتایج تحلیل رگرسیون چندمتغیره نشان داد که از بین مؤلفه‌های مدل بکوویتز و ویلیامز، مؤلفه‌های «یادگیری و ارزیابی دانش» بیشترین تأثیر را بر مؤلفه «تسهیم دانش» به‌عنوان مؤلفه تأثیرگذار و کلیدی دارد. همچنین این مدل توانست ۷۵ درصد از تغییرات و تأثیرات را بر مؤلفه «تسهیم دانش» پیش‌بینی کند. این درصد نشانگر قابل اطمینان بودن این مدل و توان بالای آن در اجرای برنامه‌های مدیریت دانش در کتابخانه‌های عمومی استان قم دارد. این نتایج به‌نوعی به صورت غیرمستقیم تأیید مدل مدیریت دانش بکوویتز و ویلیامز نیز است. همچنین تأکید بیشتر به یادگیری و ارزیابی دانش موجب اجرای بهتر برنامه‌های مدیریت دانش در کتابخانه‌های عمومی استان قم خواهد شد. مسئولین کتابخانه‌های عمومی استان قم نسبت به ضبط تجربیات و دانش فعالیت‌های کتابداران و به‌کارگیری در فعالیات و اقداماتی آتی تصمیم‌گیری کنند. به‌روزرسانی دانش حوزه علم اطلاعات و دانش‌شناسی و برگزاری کلاس‌های ضمن خدمت و هدفمند بودن آن‌ها با توجه به نیاز استان، موجبات تقویت یادگیری دانش کتابداران خواهد شد.

یافته‌های حاصل از تحلیل متغیرهای جمعیت‌شناختی نشان داد که اختلاف مشاهده شده بین میانگین نمرات مؤلفه‌های مدل مدیریت دانش بکوویتز و ویلیامز در کتابخانه‌های عمومی استان قم براساس متغیرهای جمعیت‌شناختی جنسیت، رشته تحصیلی، سابقه کار، میزان تحصیلات و نوع فعالیت معنی‌دار نیست ($P \geq 0/05$) و بین نظرات کتابداران تفاوتی وجود ندارد و نظرات یکسانی در این باره بیان داشته‌اند. این یافته‌ها با پژوهش چیدامباراناتان و رانی (۲۰۱۵)، قادری سیاه‌بیدی، جعفری و فامیل‌روحانی (۱۳۹۵) و محمدی استانی، شعبانی و رجائی‌پور (۱۳۹۰) در یک راستا قرار دارند. همچنین پژوهش حاضر از لحاظ روش‌شناسی با پژوهش زندیان و زادولی خواجه (۱۳۹۸) نیز مشابهت دارد.

در ارتباط با یافته‌های پژوهش مبنی بر شرایط و امکان مناسب مدل مدیریت دانش بکوویتز و ویلیامز در کتابخانه‌های عمومی استان قم، دانش منبع ارزشمندی برای سازمان‌های یادگیرنده نظیر کتابخانه‌های عمومی محسوب می‌شود و هر چه از آن بیشتر استفاده و یا به اشتراک گذاشته شود، ارزش‌افزوده بیشتری برای کتابخانه و کتابداران خواهد داشت. اجرای مدیریت دانش در کتابخانه‌های عمومی علاوه بر اجتناب از

متوسط است و در صورت اجرا و پیاده‌سازی از نظر کتابداران در وضعیت مناسبی قرار دارد. از بین مؤلفه‌های مدل مدیریت دانش بکوویتز و ویلیامز، مؤلفه «به‌کارگیری دانش» با میانگین ۳/۴۹ بیشترین امکان و مؤلفه «حذف دانش» با میانگین ۲/۹۸ کمترین امکان را در کتابخانه‌های عمومی استان قم دارد. تمام مؤلفه‌های مدل مدیریت دانش بکوویتز و ویلیامز به غیر از مؤلفه «حذف دانش» بالاتر از حد متوسط است. این یافته با یافته پژوهش‌های صدیقی و همکاران (۱۳۹۶)، جلیلی و فامیل‌روحانی (۱۳۹۶)، قادری سیاه‌بیدی، جعفری و فامیل‌روحانی (۱۳۹۵)، مکی‌زاده و فرزین یزدی (۱۳۹۴) و محمدی استانی، شعبانی و رجائی‌پور (۱۳۹۰) در یک راستا نیست. البته در پژوهش محمدی استانی، شعبانی و رجائی‌پور (۱۳۹۰) تنها دو مؤلفه «یافتن و به‌کارگیری دانش» در کتابخانه‌های دانشگاهی شهر اصفهان، وضعیت مناسبی دارند که با یافته‌های پژوهش حاضر در یک راستا قلمداد می‌گردد. همچنین جلیلی و فامیل‌روحانی (۱۳۹۶) نیز تنها دو مؤلفه «یافتن و به‌کارگیری دانش» در کتابخانه‌های دانشگاهی شهر کرمانشاه، وضعیت مناسبی داشت. اکثر پژوهش‌های پیشین نشانگر وضعیت نامناسب مدیریت دانش در کتابخانه‌های دانشگاهی داشت، در حالی که امکان استقرار مدل مدیریت دانش بکوویتز و ویلیامز در کتابخانه‌های عمومی استان قم مناسب بود. به‌طور کلی این یافته می‌تواند ناشی از تفاوت فعالیت و گسترده کتابخانه‌های دانشگاهی و تخصصی نسبت به کتابخانه‌های عمومی باشد. کتابخانه‌های عمومی پتانسیل و گسترده فعالیت بیشتری در زمینه اجرای مدیریت دانش دارد و نیروهای انسانی کتابخانه‌های عمومی یعنی کتابداران نیروی محرکه اصلی جهت اجرای فعالیت‌های مدیریت دانش هستند. ازجمله اقداماتی که امکان اجرای مدیریت دانش در کتابخانه‌های عمومی را مساعد نشان می‌دهد، نظام‌بخشی و ساماندهی آموزش ضمن خدمت کتابداران است. برگزاری کارگاه‌هایی نظیر تقویت خلاقیت، مرور نویسی، قصه‌گویی، مهارت‌های ارتباطی، روابط عمومی و جز این‌ها در دستور کار نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور قرار گرفته است. این قبیل برنامه‌ها در جهت تقویت مؤلفه‌های «یادگیری، به‌کارگیری و تسهیم دانش» قلمداد می‌شود.

یافته‌ها نشان از مناسب‌نبودن وضعیت مؤلفه «حذف دانش» در کتابخانه‌های عمومی استان قم دارد. این مؤلفه در سایر مدل‌های مدیریت دانش وجود ندارد و توجه کمتری به آن شده است. توجه به حذف برخی از دانش‌های منسوخ یا ایجاد مخزنی برای بایگانی آن‌ها سودمند خواهد بود. بی‌شک،

اجرای برنامه‌های مدیریت دانش اصولی و صحیح، زمینه‌های اشتراک و شکوفایی بهتر عملکرد کتابداران را تسهیل می‌کند. این امر باعث انسجام در فعالیت و ارائه خدمات بهتر، کاهش دوباره کاری، صرفه‌جویی در وقت و هزینه، خلاقیت و انگیزه و تسهیل یادگیری خواهد شد. بخش‌های مرجع و اطلاع‌رسانی کتابخانه‌های عمومی، در صورت وجود، از جمله بخش‌های مؤثری است که به صورت تخصصی انتقال و تسهیم دانش در زمینه اطلاع‌یابی و دسترسی به اطلاعات سودمند را انجام می‌دهد.

دوباره کاری، زمینه‌های افزایش همکاری و بهره‌وری میان کتابداران را افزایش می‌دهد. کتابداران در بخش‌های مختلف کتابخانه‌های عمومی نظیر امانت، مرجع و اطلاع‌رسانی، کودک و نوجوان، خدمات فنی و بعضاً در نقش مدیر و مسئول فعالیت دارند و در این زمینه‌ها به کسب دانش و تجربه یا به عبارتی دانش صریح و ضمنی مبادرت می‌کنند. استان قم به علت تنوع فرهنگی، زبانی، قومی و نژادی نیازمند توجه بیشتری به مدیریت دانش کتابداران خود دارد، زیرا آن‌ها در حین خدمت با مراجعه‌کنندگان، نیازمند به کارگیری تجربیات خود و تجربیات و دانش سایر همکاران با توجه به منطقه و فرهنگ قالب هستند.

منابع

- اسلامی هرندی، حسینعلی؛ ذوالفقاری زعفرانی، رشید و جعفری هرندی، رضا (۱۳۹۸). ابعاد و مؤلفه‌های توانمندسازی روان‌شناختی مدیران به منظور استقرار مدیریت دانش با تکیه بر انگیزه سازمان به روش کیفی. *علوم و فنون مدیریت / اطلاعات*، ۵ (۴)، ۱۲-۴۰.
- برادر، رؤیا؛ کیانی خوزستانی، حسن و گوهری، حمیده (۱۳۹۱). بررسی وضعیت منابع انسانی نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور از نقطه نظر مدیریت دانش. *تحقیقات اطلاع‌رسانی و کتابخانه‌های عمومی*، ۱۸ (۲)، ۳۳۱-۳۵۵.
- بصیریان جهرمی، رضا؛ گرای، احسان و کوبی، مرتضی (۱۳۹۷). نقش و جایگاه مستندسازی در مدل‌های عمومی مدیریت دانش: رویکردی تحلیلی. *مطالعات ملی کتابداری و سازمان‌دهی اطلاعات*، ۲۹ (۲)، ۱۱۷-۱۳۲.
- بیرانوند، علی؛ شعبانی، احمد و محمدی استانی، مرتضی (۱۳۹۶). بررسی عوامل مؤثر بر تسهیم دانش کتابداران و ارائه مدل پیش‌بینی رفتار آن‌ها (مطالعه موردی: کتابخانه‌های عمومی استان فارس). *مطالعات کتابداری و علم اطلاعات*، ۲۴ (۱۹)، ۳۹-۶۰.
- جلیلی، فریبا و فامیل روحانی، علی‌اکبر (۱۳۹۶). امکان‌سنجی پیاده‌سازی مدیریت دانش در کتابخانه‌های دانشگاهی شهر کرمانشاه بر پایه مدل بکوویتز و ویلیامز. *دانش‌شناسی*، ۱۰ (۳۸)، ۶۷-۷۹.
- حاجی‌زین‌العابدینی، محسن؛ کوهی‌رستمی، منصور و موری بختیاری، نگار (۱۳۹۸). بررسی موانع ساختاری و تکنولوژیکی استقرار مدیریت دانش در کتابخانه‌های عمومی استان خوزستان. *علوم و فنون مدیریت / اطلاعات*، ۵ (۳)، ۱۳۱-۱۵۴.
- خادمی‌زاده، شهناز؛ فرج‌پهلوی، عبدالحسین و حیدرزاده، اشرف (۱۳۹۸). بررسی مقایسه‌ای وضعیت عوامل مؤثر بر اشتراک دانش در میان اعضای هیئت علمی دانشکده دامپزشکی و علوم دانشگاه شهید چمران اهواز و دانشکده علوم پایه دانشگاه علوم پزشکی جندی‌شاپور اهواز. *مطالعات کتابداری و علم اطلاعات*، ۲۶ (۱)، ۱۲۱-۱۳۸.
- درگاهی حسین؛ اسدی، صدیقه؛ احمدی، بتول و محمودی، محمود (۱۳۹۷). بررسی رابطه بین مدیریت دانش با خلاقیت و نوآوری سازمانی در کارکنان بیمارستان‌های آموزشی دانشگاه علوم پزشکی تهران. *بیمارستان*، ۱۷ (۱)، ۹۷-۱۰۸.
- رجوعی، مرتضی؛ عربشاهی، معصومه و مغانی، حمیده (۱۳۹۵). رابطه متغیرهای طراحی ساختار سازمانی و اجرای مدیریت دانش در کتابخانه‌های عمومی شهر مشهد. *تحقیقات اطلاع‌رسانی و کتابخانه‌های عمومی*، ۲۲ (۱)، ۳۱-۵۲.
- زندیان، فاطمه و زادولی خواجه، لیلا (۱۳۹۸). تأثیر زیرساخت‌های مدیریت دانش و ابعاد بهبود تصمیم‌گیری مدیران بر مدیریت دانش کارکنان در نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور. *تحقیقات اطلاع‌رسانی و کتابخانه‌های عمومی*، ۲۵ (۲)، ۳۱۹-۳۴۸.
- زیارتی، آزاده (۱۳۹۲). *بررسی مدیریت دانش در کتابخانه‌های وابسته به حوزه علمیه قم براساس مدل بکوویتز و ویلیامز*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد علم اطلاعات و دانش‌شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه قم.
- سالخورده، محمد؛ رحیمی، صالح و زارع، امین (۱۳۹۸). بررسی موانع اشتراک دانش و راهبردهای ارتقای آن در میان کتابداران کتابخانه‌های عمومی استان کرمانشاه. *مطالعات کتابداری و علم اطلاعات*، ۲۶ (ویژه‌نامه مدیریت دانش)، ۲۷۶-۳۰۰.
- سلیمان‌پور، سمیرا؛ فرج‌پهلوی، عبدالحسین و حیدری، غلامرضا (۱۳۹۶). اشتراک دانش و عوامل مؤثر بر آن در میان دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاه شهید چمران اهواز در سال تحصیلی ۹۴-۹۳. *مطالعات کتابداری و علم اطلاعات*، ۲۳ (۱۸)، ۱۹-۴۴.

- صدیقی، محمود؛ طاهری لاری، مسعود؛ چرابین، مسلم؛ نودهی، حسن و صدیقی، هادی (۱۳۹۶). کاربرد مدل شرون لاوسون جهت ارزیابی وضعیت مدیریت دانش در دانشکده علوم پزشکی نیشابور. *مدیریت اطلاعات و دانش‌شناسی*، ۴ (۴)، ۱۱-۱۸.
- غفاری، سعید و زینالی، محمدعلی (۱۳۹۶). بررسی زیرساخت فناوری اطلاعات بر پیاده‌سازی مدیریت دانش در آرشیو دیداری صدا و سیما مرکز قم. *علوم و فنون مدیریت اطلاعات*، ۴ (۲)، ۱۱۱-۱۳۶.
- غیوری، زینب و برادر، رؤیا (۱۳۹۶). بررسی وضعیت و رابطه بین مدیریت دانش و ابعاد سایبرنتیک در نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور. *مدیریت اطلاعات و دانش‌شناسی*، ۴ (۴)، ۴۱-۵۲.
- قادری سیاه‌بیدی، ونوس؛ جعفری، مریم و فامیل‌روحانی، علی‌اکبر (۱۳۹۵). بررسی رابطه بین فرهنگ‌سازمانی و مدیریت دانش در کتابخانه‌های عمومی شهر کرمانشاه. *تحقیقات اطلاع‌رسانی و کتابخانه‌های عمومی*، ۲۲ (۱)، ۹۵-۱۲۰.
- محمدی استانی، مرتضی؛ شعبانی، احمد و رجایی‌پور، سعید (۱۳۹۰). امکان‌سنجی و پیاده‌سازی مدیریت دانش در کتابخانه‌های دانشگاهی شهر اصفهان بر پایه مدل بکوویتز و ویلیامز. *پژوهشنامه کتابداری و اطلاع‌رسانی*، ۱ (۱)، ۲۳-۴۴.
- مکی‌زاده، فاطمه و فرزین یزدی، محبوبه (۱۳۹۴). شناسایی ابعاد سیستم مدیریت دانش در کتابخانه‌های عمومی و تحلیل تأثیر آن بر توسعه نوآوری (مطالعه موردی: استان یزد). *تحقیقات اطلاع‌رسانی و کتابخانه‌های عمومی*، ۲۱ (۳)، ۴۲۵-۴۴۷.
- Bukowitz, W. R., & Williams, R. L. (1999). *The knowledge management Fieldbook*. London: Financial Times Prentice Hall.
- Chidambaranathan, K., & Rani, S. B. (2015). Knowledge management and organizational culture in higher educational libraries in Qatar: An empirical study. *Library & Information Science Research*, 37(4), 363-369.
- Evans M. Max; Dalkir, Kimiz & Bidian, Catalin (2014). A holistic view of the knowledge life cycle: The Knowledge Management Cycle (KMC) model. *The Electronic Journal of Knowledge Management (EJKM)*, 12 (2), 85-97.
- Evans, M., Dalkir, K., & Bidian, C. (2015). A holistic view of the knowledge life cycle: the knowledge management cycle (KMC) model. *The Electronic Journal of Knowledge Management*, 12(1), 47.
- Kolonari, M., & Fassoulis, K. (2017). Knowledge management perceptions in academic libraries. *The journal of academic librarianship*, 43(2), 135-142.
- Mittal, S., & Kumar, V. (2019). Study of knowledge management models and their relevance in organisations. *International Journal of Knowledge Management Studies*, 10(3), 322-335.
- Mohajan, Haradhan Kumar (2016). A comprehensive analysis of knowledge management cycles. *Journal of Environmental Treatment Techniques*, 4 (4), 184-200.
- Robert, C. A. (2009). Annotation for knowledge sharing in a collaborative environment. *Journal of Knowledge Management*, 13 (1), 111-119.
- Rao, M. K. (2011, March). Application of knowledge management in libraries. In *Proceedings of the National Conference on Agricultural Libraries and User Community-2012: Role of Agricultural Libraries in Knowledge Management*. ANGRAU, Hyderabad (pp. 1-8).
- Teng, S., & Hawamdeh, S. (2002). Knowledge management in public libraries. In *ASLIB Proceedings*, 45 (3), 188-197.
- Turban, Efraim; Leidner, Dorothy; Mclean, Ephraim & Wetherbe, James (2012). *Information technology for management, transforming organization in the digital economy*. 4th Ed. New Jersey: Wiley.